

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل،

۰۸ دسمبر ۲۰۱۲

## جهاد و غنیمت در ادیان ابراهیمی

### بخش اول

تاریخ به معنی دوره‌گرد پسر شخصی به نام ناحور بوده و پدر ابراهیم است، ایشان دخترانی به نام نجیا و ساره و پسرانی به نام های حران، ناحور، ابرام و لوط داشت و بر اساس روایات یهودی او بت پرست بود، در قرآن نام پدر ابراهیم آذر آمده است، برخی مفسرین قرآن تاریخ را با آذر مساوی دانسته اند، اما اعتقاد بر این داشته‌اند که آذر کاکای ابراهیم بوده است و سر پرستی او را داشته است، اما در شجره نامه محمد خلاف نظریه علی شریعتی تاریخ به عنوان پدر ابراهیم ذکر شده است، به هر صورت او هر کسی (اگر) بوده باور های خرافاتی انسانی را به شکل دیگر آن زیرا عنوان (توحید) ادامه داده نه این که بنیان گذار آن بوده؟؟ چون قبل از او هم باور ها، اعتقادات یکتا پرستی، فلاسفه و دانشمندی بوده‌اند که جانشینی خدای واحد را در عوض چندین خدا در باور های خود گنجانیده و تبلیغ نموده اند یعنی نمی توان نظر به ادعای اسلام بنیان‌گذاری خرافات را به ابراهیم که محمد هم بعد از چند پشت به او می رسد نسبت داد، به هر صورت نسل های بعدی از ابراهیم با فراموش نمودن یک دوره ای زمانی پیامبری!! یعنی منصرف شدن از تحلیل و بررسی زندگی یک تعداد آدم‌های بی مسؤولیت و بی سروپای که بدون موجب ادعای پیامبری داشتند، می رسیم به موسی (صاحب کتاب تورات) عیسی مالک انجیل (بیچاره عیسی از موجودیت انجیل اصلاً خبری نداشت چه رسد به این که ادعا نماید که این کتاب آسمانی است) او هرگز ادعا نکرده که خداوند کتابی از آسمان برایش فرستاده و او تطبیق کننده آن می باشد!!؟

اما محمد؟ او هر عمل خود را برای رسیدن به قدرت نسبت داد به الله؟ حتا رفع مشکلات هم‌خواهی اش را با زنان و کنیزانش؟؟

به هر صورت می‌رویم وجه تشابه و ضدیت این ادیان را و موضوع جهاد و غنیمت را در مجموع ادیان ابراهیمی شناسائی داریم.

**هدایات مهم، سر نوشت ساز و به اصطلاح اخلاقی ادیان ابراهیمی!!!؟**

هر سه دین ابراهیمی اعتقادات، هدایات و قانونمندی مشابهی در باره این موضوعات دارند!!؟

هر سه دین (یهودی، مسیحی، اسلام) خدای واحد را می پرستند  
هر سه دین به بهشت، دوزخ، زنده شدن بعد از مرگ (با تفاوت جزئی) عقیده دارند.  
هر سه دین تابعیت به نیرو های حاکم جامعه را (چی خوب و چی بد) تأیید داشته و حرکات مردمی ضد منافع و  
قدرت آنها را محکوم می دارند.

هر سه دین قانون بردگی را به رسمیت شناخته، بر آن مهر تأیید زده و دوام آن را در جامعه دینی خود خواستار  
اند  
هر سه دین زن را موجود دومی و وسیله رفع احتیاجات مرد دانسته و حقوق مساوی با مرد را به آنها قایل نمی  
باشند.

سنگسار و قصاص در هر سه دین مجاز است.  
در هر سه دین باور های خرافاتی (اعتقاد به شیاطین، اجنه، ملائکه و...، مجاز و حتمی است) کسی نمی تواند  
بدون اعتقاد به خرافات و شبح پرستی پیرو آن دین باشد،

اختلافات این سه دین ابراهیمی: در ساختمان، موجودیت، عملکرد خدای شان این بوده که: خدای یهود!! خدای  
است، مخصوص قوم یهود!!؟؟ و قوم یهود را برترین و بالاترین مقام داده که دیگر مخلوقات نمی تواند به پای آن  
برسد؟؟ (نا گفته نباید گذاشت زمانی که هیتلر شش میلیون از این قوم بر جسته را در کوره های آدمسوزی انداخت و  
کباب کرد همین خدای یهودی جای دیگری مصروف بود و نتوانست و یا نخواست این شش میلیون مظلوم را از  
چنگال استبداد سیستم فاشیستی هیتلری نجات دهد)

#### در عیسویت

همین خدای واحد در یک وجود به سه شکل می باشد (عقیده تثلیث) خدا، روح القدس، فرزند خدا، اما در اسلام  
!!؟؟ این خدای واحد ابراهیمی که اسمش (الله) که نام یکی از بت های کعبه بوده گذاشته شده، موجودی عجیبی به  
ما معرفی شده و صفات متضادی به او هم داده شده است.

در ادیان یهودی و فلسطینی جهاد و غنیمت گیری جز همان دین بوده و پیامبران که کمی از قدرت اجتماعی و نیرو  
های انسانی بهره مند می شدند فوراً جهاد یعنی چپاول هستی دیگران را شروع می نمودند  
سلیمان پیامبر افسانه ای هم نظر به تشریحات **سوره ص آیات ۳۰ تا ۳۳** از دیدن اسب های قوی و قشنگ که  
خدایش نصیب گردانیده بود گفت: که از آنها در جهاد استفاده می دارم!!؟

در تورات و قرآن کسب غنیمت از اصول اساسی است که یهوه خدای یهود اختصاصاً بر آن تأکید می کند و در  
هر زور آزمائی قوم اسرائیل به اقوام دیگر بدانان یاد آوری می کند که مغلوبان را از مرد و زن و کودک بکشید و  
دارائی های آنان را به غنیمت برای خود بگیرید، (و بنی اسرائیل تمام شهر های آن مولوک را گرفته و اهالی آن را  
به دم شمشیر هلاک کردند به موجب آن موسی بنده خداوند امر فرموده بود و تمامی غنیمت آن شهر و نیز بهائم آنها  
را برای خود به غارت بردند) صحیفه یوشع بن تون باب یازدهم مر یا ۱۴ (و چون یهوه خدایت شهری را به دست  
تو بسپارد **جميع ذكوراته را به شمشیر بکش لیکن زنان و اطفال و بهائم و آنچه را که در شهر باشد برای خود به  
تاراج ببر و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت بتو دهد بخور**) سفر تثنیه باب بیستم ۱۳،

با خواندن این بخش از هدایات یهوه خدای یهود اندازه خونخواری او را می توان حدس زد (و جدعون به ایشان  
گفت هر یکی از شما گوشواره های طلای غنیمت خود را بمن دهید پس ردای پهن کرده، هر یک از گوشواره های  
خود را که به غنیمت گرفته بودند در آن انداختند و وزن آنها هزار و هفتصد مثقال طلا بود، سوای گردنبند های که

بر گردن شتران شان بود و جدعون از آنها ایغودی ساخت و آن را در شهر خود عفره بر پا داشت) سفر داوران باب هشتم ۲۴-۲۷. (و چون داوود به صقلغ رسید بعضی از غنیمت ها را گرفته بود برای مشایخ اسرائیل و دوستان خود فر ستاده گفت اینک هدیه‌ای از غنیمت دشمنان خداوند برای شما است.) کتاب اول سموئیل باب ۳۰۲۶ یکی از مهمترین مسایل در اسلام که تا امروز بر جستگی داشته و جلب توجه می نماید جهاد و غنیمت می باشد که ماهیت خشن اسلام - جنگ طلبی - تجاوز و تاراج ملکیت های ملل دیگر را از طرف این دین مبارک روشنتر می سازد که می توان یکی از دلایل انزجار مردمان دیگر اندیش را نسبت به اسلام همین توحش و تجاوز اسلام شمرد.

موضوع جهاد از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مسایل اسلام است، در قرآن و پیام‌های آن تشویق مسلمانان به جنگ و خشونت است، اسلام سازان، ملاها و روحانیون اسلامی در زمان صلح و زمانی که مسلمانان قدرت تجاوز را ندارند از گفتن و بر ملا ساختن آیات خشن قرآنی دوری جسته و آن‌ها را پنهان می دارند و هنگامی که همین‌ها با داشتن قدرت تمایل به تجاوز و کشتن دیگران پیدا می کنند این آیات را روشن می سازند و به شناساندن آن آیت ها می پردازند، اگر در برخوردی با یکی از این روحانیون در حالت آرامش و غیر قدرت داشتن شان راجع به جهاد صحبت شود با ابراز این که جهاد شکل دفاعی در اسلام دارد ساده و سطحی از آن می گذرند، و این جهاد برای مؤمنان فرض گردیده است

این مؤمنان کی‌ها خواهند بود؟؟ کسی که مسلمان است و پایند دساتیر قرآنی؟؟ یا این که خود را مسلمان می دانند؟ چون در فامیل مسلمان متولد شده است؟؟ یا آدم‌های که عربی بیشتر می‌فهمند و به هدایت و دساتیر عرب ها پایند و علاقه‌مند غلامی و پیروی از ایشان می باشند؟؟ و یا هم اشخاصی مثل سیاف، ر بانی، صبغت الله، عطاء نور، کشف، قانونی، فهیم، و...،،،، مؤمنین خطاب شده و یا هم این که بهتر و برتر از مؤمنین می باشند نمی دانم؟؟؟ فقه و اصول اسلامی در مورد مفهوم کلمه جهاد می گویند (جهاد = تلاش، تکاپو و جنگ) رایج ترین تعریف جهاد در قرآن (جنگ در راه الله) می باشد ارزیابی های پروفیسور آرنولد پژوهشگر انگلیسی در مکاتب دعوت اسلامی که در سال ۱۸۹۶ در لندن منتشر شده است نشان می دهد در هیچ جای قرآن از مسلمانان خواسته نشده است بدون آن که از جانب کفار مورد خطر یا تجاوز قرار گیرند دست به حمله بزنند و مفهوم «جنگ مقدس» برای تعبیر اصطلاح قرآنی جهاد مفهوم است که بعداً در دوران خلافت برای آن قایل شده اند و همچنان این ارزیابی ها روشن می سازد که همه آنچه در باره جهاد در قرآن آمده مربوط به جنگهای مسلمانان با قریشیان مهاجم و همدستان جنگی آن‌ها است و با شرایط بعدی کشور گشائی های بیرون مرزی بعدی تطبیق نمی کند به همین جهت پس از تسلیمی نهائی قریش در مکه در سال هشتم هجری دیگر هیچ آیتی در باره جهاد با کفار در قرآن نیامده است در قرآن از (قتال) به مفهوم جنگ مذهبی با مشرکین و کفار در یازده سوره مدنی قرآن (بقره - آل عمران - نسا، مائده، انفال، نحل، توبه احزاب، محمد، صف، فتح) یاد شده است که هر مورد به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی خاصی مربوط می‌شود و عملاً هیچ کدام جنبه عام و کلی ندارند، جهاد برای نخستین بار در دوران مدینه وارد معتقدات اسلامی شد ولی در دوران جهانگشائی عرب اهمیت پیدا کرد زیرا می توانست منحصی ابزاری در دست گردانندگان اسلام سیاسی قرار گیرد، جنگ‌ها و لشکر کشی های اعراب بیشتر از این که شکل و ماهیت مذهبی داشته باشد انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی داشته و عامل دینی در درجه آخری قرار داشت، اصل جهاد در زمان خلفاء توسط فقه های اسلامی به صورت عمده تقریباً در همه جنگ‌ها مورد بهره برداری قرار گرفت، پژوهشگران متعددی متذکر شده‌اند که کلمه جهاد در قرآن به معنی (جنگ مقدس) که امروز معنی می‌شود به کار

نرفته بلکه به مفهوم لغوی آن در زبان عربی یعنی به معنی کوشیدن ، با همه قواء ، برای انجام کاری مهم ، و عادتاً ارزنده و مثبت بکار رفته است ، در دوران زندگی محمد در مدینه کلمه جهاد مفهوم سیاسی نیز پیدا می کند ولی حتی در این مورد هم به مفهوم جنگ مقدس و الزامی به کار نمی رود بلکه مفهوم بسیج همه تواناییهای فکری و مالی و روحی و نه الزاماً رزمی را دارد وقتی که اختصاصاً پای جنگ مسلحانه در کار باشد اصطلاح (قتال) به کار می رود نه جهاد ، به عبارت دیگر جهاد (که بدین صورت تنها سه بار در سوره های توبه ، فرقان و ممتحنه بدان اشاره شده ) دعوتی به تلاش کامل ولی داوطلبانه است ، و نه تنها برای جنگ و به خصوص برای جنگ مقدس که آن را به چنین مفهومی اصولاً در قرآن نمی توان یافت؟؟ کلمه جهاد سه بار در قرآن قتال و مشتقات آن ۳۲ بار در قرآن آمده است و همچنان در قرآن از کلمات دیگر هم مثل (قتال ، مقاتله ، حرب و محاربه) نیز استفاده شده است ، و محمد هم زیر همین عنوان به جمع آوری آدمکشان و سرکشان عرب پرداخته و لشکری تهیه نمود و برای فتح و غارت اعراب بادیه نشین و بعد هم همسایه هایش پرداخت

ادامه دارد